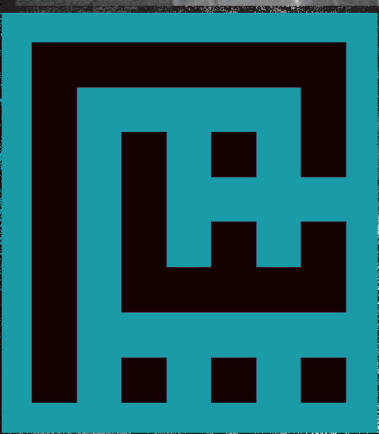




پیش شماره‌ی اول



| نشریه‌ای برای مبلغان و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان |

| خرداد ماه ۱۳۸۳ |

من روحانی‌ام و نمی‌توانم

بی تفاوت باشم

■ نود سال تبلیغ دینی در گفت‌وگو با حجة الاسلام والمسلمین غلام‌رضا فیروزیان

در آستانه‌ی دهه‌ی چهارم انقلاب | اولین وظیفه‌ی عالم دینی تبلیغ است | مشاهدات من از تشکیلات تبلیغ دینی مسیحیت |  
ارسانه‌ی شیعه | اگر ما از آخوندگری دست برداریم همه کارها درست خواهد شد! | طبیب به خانه‌ی مریض می‌رود |



## در آستانه‌ی دهه‌ی چهارم

سی سال از انقلاب می‌گذرد...

و با وجود خیل عظیمی از مراکز و سازمان‌ها و تشکلهای فعال مذهبی، سیاسی، فرهنگی و... هنوز نمی‌توان از وجود تعریفی واحد و معیار از فعالیت تبلیغی در عرصه‌ی فرهنگ دینی و انقلابی سخن گفت. تعریفی با چفت و بست‌های محکم. تعریفی با کارآمدی لااقل یک دهه. تعریفی با مَعْرِفانی مشخص.

سی سال از انقلاب می‌گذرد...

و هنوز فعالان و مدیران فرهنگی از فقدان مباحث نظری، کاربردی و تئوریک در زمینه‌ی کار تبلیغاتی رنج می‌برند. و هنوز هرکدام بر اساس تجارب فردی و محدود خود و با مدل آزمون و خطا پیش می‌روند.

سی سال از انقلاب می‌گذرد...

و هنوز این گروه‌ها و مجامع مختلف در عین آن‌که افقی مشابه دارند و بر مسیری یک‌سان ره‌سپارند، اما با هم حرف نمی‌زنند، داد و ستد نمی‌کنند، راه تعامل نمی‌دانند، سرهم‌فکری و هم‌راهی ندارند و...

سی سال از انقلاب می‌گذرد...

و هنوز خیلی سوال‌های ابتدایی در راه فعالیت فرهنگی، پی‌پاسخ می‌گردند. هنوز بر راه‌های منتهی به بن‌بست، بر کوره‌راه‌ها، چندین ردپاست. چه، ره‌سپاران امروز را کاری با ره‌سپاران دیروز و پریروز نبوده است. چنین است که بسیاری ردپاها را که دنبال می‌کنی به یک دایره می‌رسی. و چنین است که سال‌ها با شور و شوق فعالیت تبلیغی - فرهنگی می‌کنی و به خیال خود تکلیفی که برعهده‌ات است را ادا می‌کنی، اما فرجام کار، زیر پا همان ضربدری را می‌بینی که نقطه‌ای آغاز حرکت را نشان می‌دهد.

سی سال از انقلاب می‌گذرد...

و حالا، در آستانه‌ی دهه‌ی چهارم، دیگر ادامه‌ی روند بر مدار تکرار پیشین، صعب‌تر از هر زمان می‌نماید و ضرورت بازاندیشی و بازتعریف ضروری‌تر از هر وقت.

زایش «بیان» حاصل چنین دغدغه‌هایی است.

بیان سرّ آن دارد که در حد توانش رسانه‌ای برای اطلاع‌رسانی فعالیت‌های تبلیغی باشد؛ سرّ آن دارد که به معرفی و بررسی کارنامه‌ی فعالیت مبلغین موفق بپردازد؛ سرّ آن دارد که کارنامه‌ی فعالیت شخصیت‌های تأثیرگذار بر فعالیت‌های تبلیغی را بررسی کند؛ سرّ آن دارد که به طرح مباحثی نظری و کاربردی با موضوع تبلیغات دینی بپردازد؛ سرّ آن دارد که در راه الگوسازی کار تبلیغات دینی گام نهد و...

گام بیان، لااقل در دوره‌ی اول انتشار، چندان بلند نیست. اما در همین ره‌سپاری کوتاه، می‌خواهد گامی باشد در راستای بهبود وضعیت و نگرش فعالیت‌های تبلیغی و غنابخشی به ادبیات نظری و مفهومی کار تبلیغ دین. و این همه بعد از عنایت باری تعالی، بسته به همراهی شما عزیزان و همسفران است.

چنین باد!

### درس تفسیر قرآن به جای خارج اصول

حضرت آیت‌الله وحید خراسانی درس چهارشنبه‌های خارج اصول را تعطیل کرده و به جای آن تفسیر قرآن ارائه می‌کند.

هم اکنون تفسیر سوره یاسین توسط آیت‌الله وحید خراسانی گفته می‌شود.

گفته شده است آیت‌الله وحید خراسانی این درس را به تقاضای حجت‌الاسلام محسن قرائتی بر پا کرده است.

### اولین همایش اساتید منطقه چهار حوزه‌های علمیه خواهران در اصفهان برگزار شد

حجت الاسلام و المسلمین حسینی معاونت محترم آموزش با اعلام این خبر گفت: این همایش به منظور تجلیل از اساتید و بررسی دیدگاه‌های اساتید پیرامون مسائل آموزشی و راهکارهای تعامل دو سویه با مسؤولین و کارشناسان مرکز برگزار شد.

در این همایش که با حضور مسؤولین مرکز: قائم مقام محترم مرکز حجت الاسلام والمسلمین جمشیدی، معاونان فرهنگی و آموزش، نماینده معاونت پژوهش، مدیر امور اساتید و قائم مقام اداری مالی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران برگزار شد، امام جمعه اصفهان، آیت‌الله ناصری، مدیر منطقه اصفهان و ۳۰۰ نفر از اساتید اصفهان و چهار محال بختیاری نیز حضور داشتند. در بخش دیگری از این همایش، مسائل و مشکلات مدارس سطح ۳ اصفهان با حضور اساتید سطح مورد بررسی قرار گرفت.

در پایان این همایش یک روزه، به شرکت‌کنندگان و اساتید هدیه‌ای به رسم یادبود از سوی مدیریت محترم مرکز اهداء شد.

### رشته تخصصی مطالعات راه‌بردی جوانان در حوزه علمیه ایجاد شود

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی خواستار ایجاد رشته تخصصی مطالعات راه‌بردی جوانان در حوزه علمیه شد. حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی از مراجع تقلید، امروز در دیدار رییس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و اعضای برگزاری کننده همایش ملی مناسبت‌های روحانیت و نسل جوان گفت: باید برای حل مسائل و مشکلات جوانان برنامه‌ریزی راه‌بردی و کاربردی صورت گیرد.

وی افزود: دولت اسلامی باید وزارت خانه‌ای را برای حل مشکلات جوانان ایجاد کند تا با بررسی راهبردی مسائل پیشروی این قشر را مورد ارزیابی قرار دهند و همچنین شایسته است در حوزه علمیه رشته تخصصی جهت مطالعات راهبردی مسائل جوانان ایجاد شود.

این مرجع تقلید اظهار داشت: باید با جذب طلاب جوان و ارائه راهکارهای اساسی جهت جذب جوانان به مفاهیم اسلامی در مساجد و مراکز مذهبی و فرهنگی از سوی حوزه علمیه اقدامات مهمی صورت گیرد.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی گفت: جوانان بیشترین افراد قشر جامعه را به خود اختصاص

داده‌اند و هر چه توجه دولت اسلامی و برنامه‌ریزان کشور به این قشر افزایش یابد، شاهد نتایج مطلوبی خواهیم بود.

وی تأکید کرد: جوانان نقش اساسی در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کرده‌اند و باید این نقش برای نسل امروز تبیین شود؛ هم‌چنان که اگر جوانان لبنانی در این کشور نبودند حزب الله نمی‌توانست به این پیروزی بزرگ دست یابد.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی خواستار آسیب‌شناسی جدی در خصوص تهدیدات دشمنان علیه جوانان شد و اظهار داشت: امروز نسل جوان در خطر بزرگی قرار دارد و نباید در برابر این تهدیدها حالت انفعالی به خود گرفت باید با برنامه‌ریزی و دقت به مبارزه تهدیدات دشمنان پرداخت.

وی جوانان را سرمایه بزرگی برای دولت اسلامی خواند و یادآور شد: اگر برای قشر جوان سرمایه‌گذاری نشود به یقین اسلام، تشیع و جامعه اسلامی در خطر قرار می‌گیرد و بدانید امروز جوانان سپری قوی در برابر دشمنان هستند. این مدرس خارج فقه حوزه علمیه قم گفت: امروز با کوچک‌ترین مشکلی که برای جهانیان ایجاد می‌شود با سرعت در پی جبران آن هستند، ما نیز باید سرمایه‌گذاری جدی در این خصوص داشته باشیم.

### جدیدترین مصوبات شورای گسترش حوزه‌های علمیه

شورای گسترش حوزه‌های علمیه، در چهل و یک‌امین جلسه خود علاوه بر تصویب اساس‌نامه الگوی مراکز تخصصی حوزوی، با تأسیس ۲ مدرسه علمیه برادران و یک مدرسه علمیه خواهران موافقت کرد.

به گزارش مرکز خبر حوزه شورای گسترش حوزه‌های علمیه، در جلسه اخیر خود، با اعطای موافقت اصولی به مدرسه علمیه برادران کبودرآهنگ استان همدان و مدرسه علمیه خواهران اقلید استان فارس، موافقت نمود. همچنین این شورا، علاوه بر اعطای موافقت اصولی به مدرسه علمیه برادران میناب استان هرمزگان، مجوز موقت دوساله آن را صادر کرد. برپایه این گزارش شورای گسترش حوزه‌های علمیه، اساس‌نامه الگوی مراکز تخصصی حوزوی را تصویب نمود. این اساس‌نامه پس از تصویب در شورای عالی حوزه‌های علمیه، ابلاغ خواهد شد.

### تصحیح جدید الکافی رونمایی شد

هم‌زمان با برپایی کنگره بین‌المللی مرحوم کلینی از تصحیح جدید «الکافی» رونمایی شد.

به گزارش مرکز خبر حوزه، این آیین با حضور حضرات آیات استادی، هاشمی‌رفسنجانی، واعظ زاده خراسانی و ری‌شهری و حجت‌الاسلام والمسلمین شهرستانی انجام گرفت. خاطرنشان می‌شود، تصحیح «الکافی» با تلاش پژوهشگران موسسه علمی- فرهنگی دارالحدیث طی ۸ سال در ۱۵ جلد منتشر شده است.



## اولین وظیفه‌ی عالم دینی تبلیغ است

امروز علمایی که مشغول تحصیل علم دین و حقایق دینی هستند و نیز فضایی حوزه‌ها و علمای شهرستان‌ها توجه کنند که اولین وظیفه عالم دینی تبلیغ است و علم دین برای تبلیغ است. درست است که تربیت عالم و مبلغ، به بزرگان و متخصصینی احتیاج دارد که در نقطه‌ای بنشینند و شاگردان و فضلا و طلاب از آن‌ها استفاده کنند و توقعی نیست که آن‌ها با طبقات مختلف مردم مواجه شوند. کار آن‌ها در واقع تربیت مبلغ و عالم و متخصص است - این در جای خود درست و قابل قبول است - لیکن وقتی انسان با نگاه کلی به علمای دین نگاه می‌کند، آن عده متخصص‌پرور، عده کمی خواهند بود.

بنابراین، غیر از مطالبی که به طور معمول همیشه در این مجامع گفته می‌شود؛ من مصرّم که جامعه تبلیغی ما باید به تبلیغ به صورت یک کار اصلی و حقیقی و لازمه قطعی علم دین نگاه کند. جامعه علمی دینی - یعنی روحانیت - اولین وظیفه‌اش تبلیغ است. تبلیغ یک وظیفه درجه دوم مخصوص عده‌ای خاص از روحانیون نیست. شرایط و لوازم و نیازها و تلاش‌هایی احتیاج دارد. کسانی که اهل این کارند، باید دامن همت به کمر بزنند و آستین‌ها را بالا کنند و این حرکت را انجام دهند. امروز نظام اسلامی، پشتیبان این گونه حرکت‌هاست. علمای محترم دین، ائمه محترم جماعات و آبرومندان محترم در هر جا که هستند، از این گونه حرکت حمایت کنند و آن را تأیید نمایند.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در آستانه ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۴/۱۰/۲۷

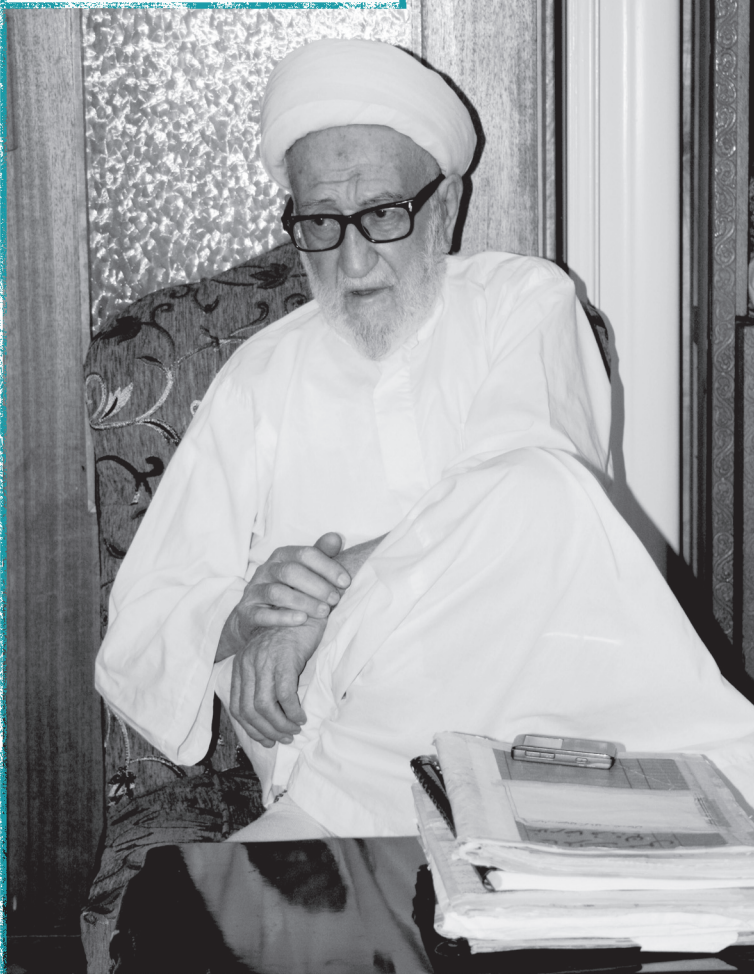
در حوزه باید به تبلیغ به صورت جدی توجه بشود؛ یعنی برای تبلیغ برنامه‌ریزی شود. این ذخیره‌ی عظیم در حوزه - این همه روحانی جوان آماده‌ی حرف زدن و تبلیغ کردن - در اختیار ماست؛ مگر این چیز کمی است؟ البته طلاب همیشه به شکل خودجوش و خودرو می‌روند، و این در جاهای مختلف، با دعوت و بی‌دعوت، خوب و بد، مفید و کم‌فایده و پُرفایده هست؛ اما هیچ محصول حساب‌شده‌ای از آن انتظار نیست. چرا؟ چون برنامه‌ریزی نیست... در حوزه باید دستگاهی مخصوص برنامه‌ریزی تبلیغ وجود داشته باشد؛ برنامه‌ریزی کند، کار کند و افراد را برای تبلیغ آماده نماید.

بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۶/۳۱



# من روحانی‌ام و نمی‌توانم بی تفاوت باشم

■ نود سال تبلیغ دینی در گفت‌وگو با حجة الاسلام و المسلمین غلام‌رضا فیروزیان ■ قسمت یک‌ام

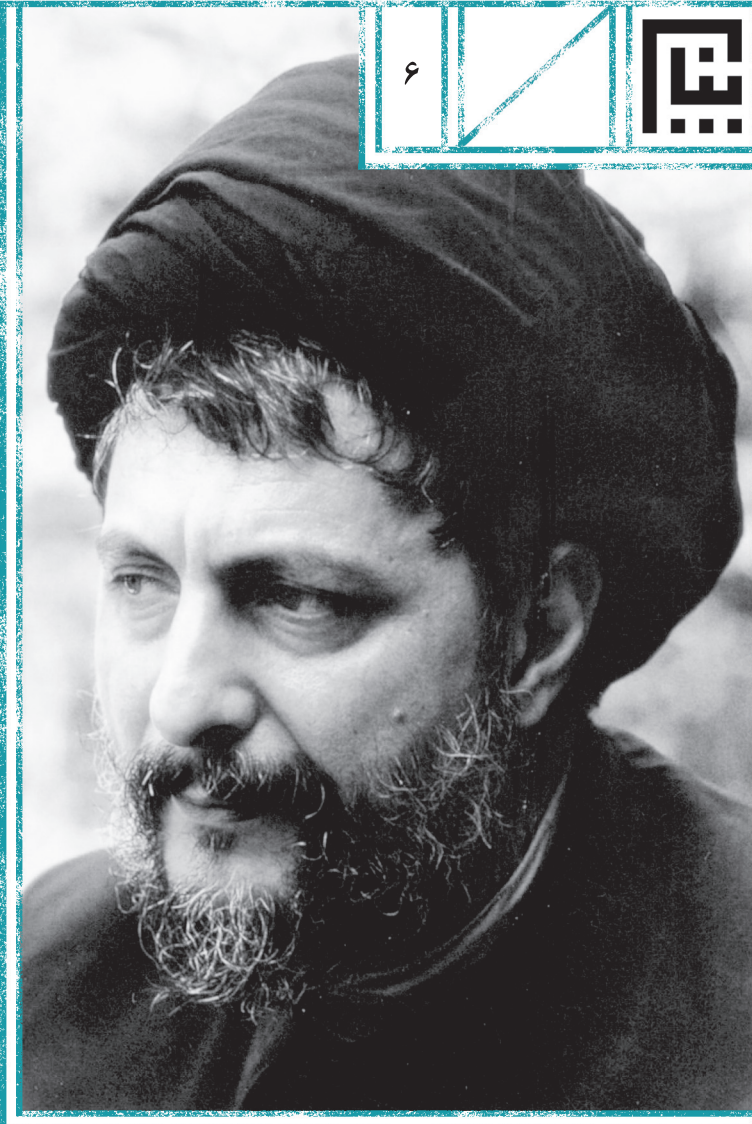








5



# مشاهدات من از تشکیلات تبلیغ دینی مسیحیت

■ گزیده‌ای از سخنرانی امام موسی صدر در میان علما و مبلغین حوزه‌ی علمیه‌ی قم ■ قسمت یک ام

مسیحیت هستند که از نظام کلیساها استقلال دارند. این دیرها خود مؤسسات مستقلی هستند که ابتدا منفصل از واتیکان پدید آمدند، اما بالاخره به آن ملحق شدند. این دیرها خود چند دسته‌اند. در درجه اول و از همه آن‌ها مهم‌تر، «ژرژیت‌ها» یا «یسوعی‌ها» هستند. کتاب المنجد را همه ملاحظه فرموده‌اید که می‌گوید: «الآباء الیسوعیین». این یسوعی‌ها همان ژرژیت‌ها هستند. این‌ها فرقه بزرگی هستند. رئیس یسوعی‌های دنیا را پاپ سیاه می‌نامند. این‌ها در حقیقت حکام واتیکان هستند. می‌گویند پاپ سلطنت می‌کند و نه حکومت؛ یعنی حکومت واقعی به دست ژرژیت‌ها یا یسوعی‌هاست! یسوعی‌ها هستند که اداره امور واتیکان در دنیا را برعهده دارند...

## ■ وظایف کلیسا

این تشکیلات بسیار مقتدر کلیسا، در اداره امور مذهبی مردم به قدری دقیق است که اگر دردهی از دهات تنها یک خانواده مسیحی حضور داشته باشد، روز یک‌شنبه کشیش مخصوصی به آن‌جا می‌رود تا مراسم اقامه نماز را انجام دهد. در لبنان دهی هست که مرکز شیعیان است و «جبع» نام دارد. یا به قول خود لبنانی‌ها «جباع». همان جایی که «جبعی جبعی» می‌خوانیم. ده مهمی است. همه‌ی ساکنان آن شیعه هستند و منطقه پیرامون آن هم شیعه نشین است. در این ده یک خانواده، تنها یک خانواده مسیحی وجود دارد. نه این‌که بخوایم میالغه کنیم. تنها یک خانواده، شامل پدر و مادر و دو سه تا بچه، مسیحی هستند. این ده کلیسایی دارد. آقای کشیش روزهای یک‌شنبه می‌آید، در کلیسا اقامه نماز می‌کند و بازمی‌گردد. ده دیگری هست به نام «روم»، که نصف جمعیت آن مسیحی است، و نصف دیگر آن شیعه. البته آن نیمه‌ای که مسیحی است، جمعیت چندانی ندارد. یعنی سکنه آن چند نفری بیشتر نیستند. شاید مجموعاً به هشتاد نفر نرسند. این ده یک مدرسه دارد. روزهای یک‌شنبه کشیش برای تعلیم امور دینی محصلین به ده روم می‌آید، درس خود را می‌دهد، و بازمی‌گردد. یعنی شما در تمام نقاط دنیا، یک مسیحی که کلیسا از او غافل شده باشد و به او نرسد، و روز یک‌شنبه امکان نماز را برای‌اش فراهم نکنند، اصلاً نمی‌یابید! حالا شما تمام کاتولیک‌های دنیا را تصور کنید که بالغ بر ۵۰۰ میلیون نفر هستند. این که این ۵۰۰ میلیون نفر را این‌ها چطور باید کنترل بکنند، خدا می‌داند!

خوب، در مقابل این‌ها ما هستیم، که در وسط افتاده‌ایم و شده‌ایم مثل گوشت قربانی! دهاتی داریم که مسیحی‌ها در آن تبلیغ می‌کنند؛ دهاتی داریم که سنی‌ها در آن تبلیغ می‌کنند؛ دهاتی داریم که بهایی‌ها در آن تبلیغ می‌کنند؛ و همین‌طور الی آخر!

■ سازمان وسیع دیرها

قسمت دوم، که بسیار عجیب است، مسئله دیرهاست. یسوعی‌ها را برای شما مثال می‌زنم. این یسوعی‌ها اول در اثر کوتاهی‌هایی که کلیسا طی قرون وسطی نسبت به امور دینی و مذهبی و علمی کرد، شکل گرفتند. «لوتر» ی آمد، پروتستان‌ها آمدند، و از کاتولیک‌ها منفصل شدند. جوانانی بودند که به نام «یسوعی» متشکل شدند و یک سلسله کارهایی شروع کردند. آمدند و دیدند که روحانیت از مردم دور شده، به صورت اشرافی درآمده، به صنف معینی بدل گشته و از مردم فاصله گرفته است. ایشان برای این‌که با مردم نزدیک شوند، آمدند و مؤسساتی درست کردند که در حقیقت صبغه فرهنگی داشت. دانشگاه تأسیس کردند، مدرسه درست کردند و کشیش‌هایی تربیت کردند که غیر از کشیش بودن، وکیل عدلیه هم هستند، مهندس، طبیب، معلم، استاد دانشگاه، فیزیک‌دان و شیمی‌دان هم هستند و هکذا. تمایز این‌ها با مردم عادی فقط یک یقه سفید است. و الا لباس‌شان عینا لباس عادی است. کارشان هم اداره امور بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس حرفه‌ای، دارالایام‌ها و درمانگاه‌هاست.

طبیعی هست در نهایت دقت و مهارت، در عین حال کشیش هم هست. اگر برای شما عرض کنم که روبرت کخ، کاشف میکرب سل، کشیش بوده است، تعجب نکنید. اگر عرض بکنم که بسیاری از کاشفین نظریات جدید کشیش بوده‌اند، تعجب نکنید. یکی از این‌ها همین کشیش بلژیکی «لومتر» است که اصل توسعه عالم را کشف کرد؛ که عالم دایماً گسترده‌تر می‌شود. همین نظریه‌ای که با آیه‌ی کریمه و السماء بتیناها بأی-لد و انا لُموسعون (۴۷:۵۱) منطبق است. یعنی عالم در حال توسعه است. این نظریه‌ای که در قرآن به آن اشاره شده است، توسط یک کشیش بلژیکی به نام لومتر طرح شد. با این‌که کشیش است، اما اطلاعات کیهانی او به قدری زیاد است که نظریاتش مورد اقتباس همه دانشمندان است. یعنی شما در میان طبقه کشیش‌ها می‌توانید طبیب‌های خوب، مخترع‌های به‌نام، فیزیک‌دان‌های خیلی مهم، شیمی‌دان‌های خیلی مهم، وکلای عدلیه معروف، و ریاضی‌دانان برجسته بیابید. بنده در بیروت دوستی دارم که در سلسله سخنرانی‌هایی که اخیراً درباره اسلام و مسیحیت در لبنان انجام می‌شود، شرکت می‌کرد. نامش «آب فرانسوا دوپریلاتور» است. «آب» یعنی کشیش. این مرد، استاد فیزیک و بزرگ‌ترین فیزیک‌دان در خاورمیانه است. کشیش هم هست. اتفاقاً لباس‌اش هم لباس کشیشی است. مرد بسیار عالمی است و در عین حال کشیش هم هست... ■

## ■ فعالیت‌های تبلیغی مسیحیان

اما مسیحیان: خدا می‌داند که وقتی متذکر نوع فعالیت مسیحیان می‌شوم، دلم آتش می‌گیرد. این مردمی که دینشان دین رهبانیت است، آن‌هم رهبانیه ابتدعوا (۲۷:۵۷) به قول قرآن، ماکتبنها علیهم! (۲۷:۵۷) رهبانیت تارک دنیا! این‌ها چطور این قدر منظم شده‌اند؟ در مجله‌ای به‌نام لا یف، که یک شماره‌اش مخصوص تشکیلات کاتولیکی دنیا بود، خواندم که سازمان کاتولیک‌های دنیا آن قدر منظم است که تمام احزاب دنیا، حتی احزاب سری و زیرزمینی روسیه، را پشت سر نهاده است. شما تصور کنید که با حکومت پلیسی که در روسیه است، اگر یک حزب سری ضد دولتی بخواهد در آن‌جا فعالیت کند، چه مقدار باید منظم و دقیق باشد. این مجله می‌گوید تشکیلات کاتولیکی دنیا از احزاب سری دنیا هم منظم‌تر و مجهزتر است. این مردم تارک دنیا چنین تشکیلاتی دارند. حالا ببینیم که چگونه کار می‌کنند. تشکیلات این‌ها چند رشته فعالیت دارد: یک رشته، رشته کلیساهای‌شان است. به قول خودشان (مسیحیان عرب)، مؤسساتی که رعایت ابرشیه می‌کنند؛ یعنی منطقه‌ای دارند که اسم مردم را رعیت می‌گذارند، واسم کشیش یا مطران یا بطرک را را رعیت رعیت، یعنی شبان این گوسفندان. را رعیت همان را رعیت منطقه است. این فرقه را «راعویه» می‌نامند. یعنی فرقه‌ای که کلیساها را اداره می‌کند، نماز می‌گزارد، تشریفات اکیل و عقد و ازدواج انجام می‌دهد و مراسم مذهبی را در وفیات، که عرب‌ها به آن جناز می‌گویند، به جای می‌آورد. بنابراین، کشیش‌ها و اداره‌کنندگان کلیساها یک دسته‌اند. دسته‌ی دیگر متولیان دیرهایی در

نوشته زیرگزیده‌ی سخنرانی امام موسی صدر است که در تاریخ ۷ مهر ۱۳۴۴ در قم و در حضور بزرگانی چون آیات عظام شیخ مرتضی حائری، سید محمد باقر سلطانی طباطبایی، استاد شهید مرتضی مطهری، و جمع کثیری از علما و فضلاء آن روز حوزه علمیه ایراد شده است. در این سخنرانی سید موسی صدر در جمع عالمان دینی، پس از ذکر ضرورت وجود تشکیلات دینی و تغییر در شیوه تبلیغ، به تشکیلات مسیحیان و به طور کلی، ادیان دیگر اشاره شده است. تشریح وضع تبلیغ شیعیان ضرورت بازنگری در شیوه‌های تبلیغ شیعی را بهتر باز می‌نمایاند.

## ■ مشاهدات من از نظم و تشکیلات دیگران

حالا برای این‌که عرض کنم دیگران چگونه منظم و سازمان یافته هستند، مشاهدات خود را بیان می‌کنم. لبنانی که بنده در آن هستم، یکی از پایگاه‌های مسیحیت و بلکه بزرگ‌ترین پایگاه مسیحیت غربی در خاورمیانه است. چون آقایان می‌دانند که مسیحیت در آغاز دچار یک شکاف بزرگ شد: مسیحیت غربی که تابع پاپ بود، و مسیحیت شرقی که از آن جدا شد و آرتودوکس نامیده شد. مسیحیان غربی تابع پاپ را تصور نفرمایید که یک فرقه هستند. کلمه «کاتولیک» به معنای مجموعه است، نه یک فرقه معین. فرق بسیار متعددی هستند که همه در لوای واتیکان و پاپ زندگی می‌کنند. اینها یک شاخه‌اند. شاخه دوم، مسیحیان شرقی یا «ارتودوکس»‌ها هستند. ارتودوکس‌ها مرکزیت جهانی ندارند...





## جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیأت‌های مذهبی در ایران

■ پیشنهاد برای مطالعه ■ معرفی تفصیلی کتاب رسانه‌ی شیعه

ترکیب هیأت‌های انقلابی دوران جنگ و هیأت‌های سنتی، و به اقتضای تغییرات و تحولات اجتماعی - فرهنگی سال‌های پس از جنگ تحمیلی شکل گرفتند. و این کارکردها را دنبال می‌کردند: «حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و شهدا»، «کارکرد حفاظتی»، «انتقال ارزشی به نسل سوم انقلاب»، «نقد فضای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور» و «شکل‌گیری گروه‌های رادیکال فعال و خودسر مذهبی و انقلابی».

نویسنده از جمله خصوصیات سازمان این هیأت‌ها «سازمان‌یابی»، «پایایی زیاد»، «سازمان مرکب»، «ظهور هنجار مکانی جدید» و «تثبیت هنجار زمانی» را برشمرده است. هم‌چنین مشخصه‌های مخاطب این هیأت‌ها را «عدم تفکیک جنسیتی»، «غلبه‌ی حضور جوانان و نوجوانان» و «تعلق به طبقه‌ی متوسط» دانسته است.

نویسنده، «جای‌گزینی سن به جای منبر»، «ظهور کالاهای فرهنگی»، «پیدایش و تثبیت الگوهای تبلیغاتی گسترده و عمومی» و «موسیقی تقلیدی» را به عنوان مشخصه‌های مداحی هیأت‌های انقلابی دوران پس از جنگ ذکر کرده و «بهره‌گیری از واژه‌گان ادبیات عرفانی»، «تکیه بر زیبایی ظاهری اهل بیت»، «نوستالژی دوران جنگ»، «گلایه از اوضاع زمانه و کم‌رنگ شدن ارزش‌ها»، «رگه‌هایی از غلو» و «توجه به مفهوم انتظار» را از خصوصیات ادبیات این هیأت‌ها دانسته است.

### ■ فصل هفتم

موضوع این فصل، بررسی «هیأت‌های عامه‌پسند» است.

### ■ فصل هشتم

این فصل اختصاص دارد به بررسی پدیده‌ی نوظهور «شبه‌هیأت‌ها» که نویسنده به اختصار آن‌ها چنین تعریف می‌کند: «شبه‌هیأت‌ها را باید نمودی از جنبش جوانان مرفه شهرهای بزرگ دانست که دارای کارکردهای ابراز شادی جمعی، رفتار سیاسی-انتقادی و تعامل آزادانه با جنس مخالف‌اند و با روی‌کردی اعتراضی سعی در نماینداندن و رسمیت‌بخشیدن به یک نوع نگرش متفاوت و غیررسمی به برخی مقولات دینی و ارابه‌ی یک سبک زندگی امروزی و متفاوت از الگوهای رسمی مورد تبلیغ و حمایت حاکمیت دارند.»

### ■ فصل نهم

و بالاخره در فصل پایانی - که «جمع‌بندی و نتیجه‌گیری» نام دارد - نویسنده کوشیده است براساس مباحث طرح‌شده در فصول پیشین، یک مدل نظری کاربردی را برای تبیین تغییرات و تحولات هیأت‌های مذهبی تدوین کند.

صفحات پایانی کتاب «رسانه‌ی شیعه» هم اختصاص یافته است به نمایانه، آلبوم عکس‌ها و کتاب‌نامه.



■ رسانه‌ی شیعه  
جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیأت‌های مذهبی در ایران  
محسن حسام‌مظاهری  
تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل  
چاپ اول: پاییز ۱۳۸۷  
قطع وزیری، ۶۱۰ صفحه  
۵۵۰۰ تومان

هیأت‌هایی که «بی‌گمان دیرپاترین گونه‌ی هیأت‌های مذهبی محسوب می‌شوند». نویسنده «سازمان‌دهی قوی»، «ثبات زیاد»، «پیچیده‌گی»، «وجود هنجار مکانی» و «هنجار زمانی» را به عنوان خصوصیات سازمان این هیأت‌ها ذکر می‌کند و مدل دین‌داری آن‌ها را «مدل اسلام سنتی» می‌داند که با این گزاره‌ها قابل تعریف است: «بر تفکیک دیانت از سیاست تأکید دارد»، «مناسکی است»، «روی‌کردش بیش‌تر فردی است تا اجتماعی»، «آخر‌گرا است»، «اسطوره‌گرا است» و «نقلی است». نویسنده مداحی هیأت‌های سنتی را هم واجد این مشخصات می‌داند: «وجود نظام آموزش سنتی»، «حضور هنجارها و قوانین ثابت و محکم»، «حاکمیت نظام سلسله‌مراتبی»، «ابزارمندی» و «تنوع آیین‌ها و هویت‌های منطقه‌ای». وی هم‌چنین «تبیین قضا و قدری»، «تفسیر عرفانی و روی‌کرد اسطوره‌ای به عاشورا» را از جمله درون‌مایه‌های ادبیات این هیأت‌ها دانسته است.

### ■ فصل پنجم

این فصل به بررسی «هیأت‌های انقلابی دوران جنگ» اختصاص یافته است. او «شکستن قالب‌های مداحی کلاسیک و حرفه‌ای» را خصوصیت بارز مداحی هیأت‌های انقلابی دوران جنگ دانسته و «ورود مفاهیم و اصطلاحات روزمره و غیرتاریخی» و نیز «تأکید بر الگوی تطابق دفاع مقدس با واقع‌ی عاشورا» را به عنوان خصوصیات ادبیات این هیأت‌ها برشمرده است.

### ■ فصل ششم

این فصل به بررسی «هیأت‌های انقلابی دوران پس از جنگ» اختصاص یافته است؛ هیأت‌هایی که «از

قایل شد: «مفهوم دین راجع است به ذات و جوهر دین که در هاله‌ای از تقدس قرار دارد و مرجع تعریف‌اش خود شارع است؛ اما دین‌داری به رفتار دینی دین‌داران راجع است و مرجع تعریف‌اش فارغ از دستورات و تعاریف دین، عمل بیرونی و بروزها و نموده‌های عینی و بشری دستورات دینی است. به عبارت دیگر مقوله‌ی دین در مقام تعریف است، اما مقوله‌ی دین‌داری در مقام تحقق.» نویسنده هم‌چنین بین مناسک دینی و آیین‌های دین‌داران نیز قایل به تمایز است: «مناسک دینی در متن دین حضور دارند و تأسیس، تعریف و تبیین چگونگی آنان و جزئیات برگزاری‌شان در نصوص و متون اصیل دینی تصریح و تشریح شده‌است. در نتیجه تعریف شرایط و اشکال آنان نسبتاً ثابت و تطورناپذیر است. ... اما آیین‌های دین‌داران برخلاف مناسک دینی، منشأ شریعتی ندارند و تعریف‌شان بر عهده‌ی خود دین نیست. بل که مقوله‌ای اساساً اجتماعی‌اند و تأسیس، تعریف و تبیین چگونگی آن‌ها به نوع عمل و شرایط اجتماعی دین‌داران برمی‌گردد، و به تبع‌مانند خود دین‌داری تابع تحولات اجتماعی و تغییرپذیرند.» پس از ذکر این مقدمات نویسنده نتیجه می‌گیرد که عزاداری عاشورا را باید «اولاً از زمره‌ی مقوله‌ی دین‌داری محسوب کرد، نه دین. ثانیاً یکی از آیین‌های دین‌داران دانست و نه یک منسک دینی. به همین دلیل این آیین که توسط امامان شیعه پایه‌ریزی شده بود، پس از چندی و وقتی با فرهنگ ایرانی آمیخته و در آن نهادینه شد، صورت دیگری یافت که به کلی با نمونه‌ی ساده و اولیه‌اش تفاوت داشت. صورتی که توسط خود دین‌داران و به تناسب فرهنگ و باورهای آنان و نیز قرائتی که در هر عصر از مذهب شیعه و قیام امام حسین (ع) داشتند، تعریف شده بود.» این فراز را می‌توان لب‌همه‌ی مطالب و مباحث کتاب دانست؛ این که «پدیده‌ی آیین‌ها و مجالس سوگواری علی‌رغم کارکرد دینی خود، اما بیش و پیش از هر چیز پدیده‌ای اجتماعی‌اند و متأثر از تغییرات و تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی».

### ■ فصل سوم

این فصل به بررسی مدل‌های مختلفی اختصاص یافته که با آن‌ها می‌توان هیأت‌های مذهبی را گونه‌بندی کرد. نویسنده با در نظر گرفتن دو معیار «سازمان» و «مخاطب»، ۱۵ مدل فرضی گونه‌بندی را بررسی کرده و در انتها یک مدل تلفیقی و چندبعدی را به عنوان «مدل ساختی - کارکردی» پیشنهاد کرده است. طبق این مدل - که مدل بنیادی و زیربنایی مباحث کتاب است - هیأت‌های مذهبی معاصر را می‌توان در سه دسته‌ی «سنتی»، «انقلابی» و «عامه‌پسند»، به علاوه‌ی یک گونه‌ی فرعی «شبه‌هیأت‌ها» گنجانند. البته هر کدام این دسته‌ها خود شامل تقسیم‌بندی‌های ثانویه هم می‌شوند.

### ■ فصل چهارم

این فصل به «هیأت‌های سنتی» اختصاص دارد؛

در باب عزاداری عاشورا و مجالس ذکر مصیبت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) سخن فراوان گفته شده و کتاب‌ها و مقالات و رسایل بسیار نگاشته شده است. این میان، با وجود دیرپایی این رسوم و مجالس، هنوز آثاری که دارای روی‌کردی جامعه‌شناختی و از منظر علوم اجتماعی باشند، بسیار نادر و انگشت‌شمارند. آن‌چه هم که گفته شده، عمدتاً ناظر به بررسی‌ها و تحلیل‌های مردم‌نگارانه و مردم‌شناسانه‌ی این آیین‌ها (خصوصاً تعزیه و شبیه‌خوانی) بوده است و مشخصاً منظر جامعه‌شناختی مغفول مانده است.

پاییز امسال اما کتابی با نام «رسانه‌ی شیعه؛ جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیأت‌های مذهبی در ایران» به قلم محسن حسام‌مظاهری و به همت شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی منتشر و روانه‌ی بازار کتاب شده است که می‌توان آن را از جمله‌ی اولین و معدود کارها در این موضوع دانست. این کتاب که حاصل پژوهشی پنج‌ساله در موضوع مجالس و آیین‌ها و رسوم عزاداری است، ۶۱۰ صفحه (مصور) دارد و ۹ فصل را شامل می‌شود:

### ■ فصل اول

فصل اول که مفصل‌ترین فصل کتاب است، اختصاص یافته به بررسی و تحلیل تاریخ پیدایش و تکوین آیین‌ها و مجالس عزاداری. فرضیه‌ی بنیادین کتاب، رابطه‌ی عزاداری و تغییر و تحولات‌اش با وضعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هر عصر است. از این رو در این فصل، به تفصیل در باب بسترهای اجتماعی و فرهنگی که در هر عصر سبب ظهور یک آیین یا صورت جدید در عزاداری عاشورا شده است سخن گفته شده. در خلال بیان این سیر تاریخی، در این فصل هم‌چنین به مدل‌های دین‌داری و گفت‌مان دینی هر عصر و نیز مناسبات بین نهاد دین و سیاست پرداخته شده است. این فصل، به ترتیب این دوره‌های تاریخی را شامل می‌شود: امامان شیعه، آل‌بویه، سلجوقیان، مغولان، تیموریان، صفویان، افشاریان، زندیان، قاجاریان، پهلوی، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و دوران پس از جنگ تا امروز. بخش‌های واپسین این فصل هم به بیان تحولات سال‌های اخیر در جریان مداحی و عزاداری اختصاص یافته است.

### ■ فصل دوم

این فصل «مفاهیم و کلیات» نام دارد و چنان‌چه از نام‌اش پیداست به ارابه‌ی تعاریف و بررسی مفاهیم و مباحث کلی و زیربنایی کتاب اختصاص یافته است. نویسنده در این فصل به تعریف مفاهیمی از جمله «فرهنگ خواص»، «فرهنگ عامه»، «دین»، «دین‌داری»، «مناسک دینی» و «آیین‌های دین‌داران» پرداخته است. از جمله بر این نکته تأکید می‌کند که باید بین دو مفهوم دین و دین‌داری تفکیک



«گده» از قعد می‌آید؛ به معنای نشستن. در ادبیات طلبگی به دورهم‌نشستن وگپ‌زدن و از هر دری سخن‌گفتن می‌گویند گده. گویا ریشه‌ی این نام‌گذاری به محافل غیررسمی گفت و شنود علمای عراق بعد از کلاس‌های درس‌شان برمی‌گردد. گده‌ی بیان هم چنین است؛ محفلی است مکتوب از فعالان و همراهانی که هرکدام در یک گوشه‌ای، به امور تبلیغی و تحصیلی اشتغال دارند. و حال موضوعات و دغدغه‌های مشترک بهانه‌ی هم‌سخنی‌شان شده است. شما نمی‌خواهید آیا به این محفل بپیوندید؟



## اگر ما از آخوندگری دست برداریم کارها درست می‌شود!

■ سید مجتبی مطهر

در محضر مرحوم آیت‌الله مجتهدی درس‌های فراوانی آموختم یکی از بحث‌های بسیار مهمی که ایشان مطرح فرمودند بحث روحانی‌نماها بود، که به علت مهم بودن آن‌را برای شما عزیزان و قابل توجه بعضی در این‌جا آوردم.

« یک عالم ربانی داریم و یک آخوندگر. آخوندگر یا روحانی نما کسی است که دنبال پول است، فقط به فکر این است که پول کجا است، ریاست کجا است، نه اهل تدریس است نه اهل منبر و موعظه و نه اهل تألیف و نه اهل تبلیغ و ارشاد، بلکه اگر اراده کند که مثلاً کاری انجام دهد فقط امام جماعت می‌شود و حتی بعد از بعد از اتمام نماز یک مسأله شرعی و یا حدیث هم نمی‌گوید.

این گونه افراد کارگر هستند نه روحانی و باید در روز کارگر مانند بقیه کارگرها در راه پیمائی روز کارگر شرکت کنند!

امام جماعت که نشد کار، به آقا می‌گویی چه کاره‌ای؟ (مبلغ، مولف، مدرّس، مترجم، منبری) در جواب می‌گوید امام جماعت‌ام، امام جماعت بودن که کار نیست، اگر این طوری است پس بقیه مردم هم مثل شما پیش نماز، پس نماز و یا مأموم هستند، آیا می‌شود به کسی بگویی شغل شما چیست او بگوید مأموم هستیم؟! امام و مأموم که شغل نیستند.

این‌گونه افراد آخوندگر هستند بر وزن کارگر، آهن‌گر، زرگر، ریخته‌گر و غیره، یعنی آخوندی برای آن‌ها محل کسب و درآمد است. اسلام این‌ها را نمی‌خواهد، اسلام عالم و آخوند ربانی می‌خواهد. کسی را می‌خواهد که با اعمال خودش به دین خدا و اسلام و اهل بیت پیامبر (ع) خدمت کند، و اگر در کنار این خدمات، توانست زندگی خود را تأمین کند البته مانعی ندارد. نه این که در این لباس بیاید به خاطر بعضی امور از قبیل کسب درآمد و کسب شهرت و پست و مقام غیره.

اگر ما از آخوندگری دست برداریم کارها درست می‌شود و الا وزارت بازرگانی باید مساجد را زیر نظر بگیرد و اداره مالیات پرونده برای مسجد تشکیل بدهد و بالایی در مساجد بنویسند تجارت‌خانه‌ی فلان آقا. چرا که روحانیون آخوندگر شده‌اند. و مساجد تجارت‌خانه‌ی آن‌ها شده است، حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند: وای به حال امت من از دست علمای بد که این علم را وسیله تجارت و پول در آوردن می‌کنند.

از شخصی که روحانی بود خوشم نمی‌آمد روزی سوار ماشین یکی از دوستان بودیم دیدیم آن شخص کنار خیابان ایستاده است، او را هم سوار کردیم، در بین راه صحبت یکی از علماء موفق تهران شده که ایشان مسجدشان در جای غریبی است و از ایشان کاملاً استفاده نمی‌شود و جمعیت‌شان کم است، ناگهان آن شخص گفت: عیب ندارد یک مرد جنگی به از صدهزار، یعنی در عوض مریدهای پول‌داری دارد این را که گفت فهمیدم علت این‌که از او بدم می‌آمد چیست. این جور روحانی که فکر و ذکرش پول است آخوندگر و روحانی نما است.

## نشریه‌ای برای مبلغان و طلاب

حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان

زیر نظر شورای سردبیری

اصفهان، میدان امام، خیابان

حافظ، چهارراه کرمانی دفتر

تبلیغات اسلامی استان

اصفهان، روابط عمومی

تلفن: ۲۲۳۵۰۹



## طبيب به خانۀى مريض می‌رود

■ ابراهيم خسروی

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در توصیف پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم در نهج‌البلاغه می‌فرماید: او طبيبی است سیّار که با طبّ خویش هم‌واره به گردش می‌پردازد، مرهم‌هایش را به‌خوبی آماده ساخته و (برای مواقع اضطرار و سوزاندن محلّ زخم‌ها) ابزارش را داغ کرده تا هر جا نیاز باشد از آن برای دل‌های کور و نابینا، و گوش‌های کر و ناشنوا، و زبان‌های گنگ بهره‌گیرد؛ با داروهای خویش در جست‌وجوی بیماران فراموش شده و سرگردان است؛ نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۸.

استاد شهید مطهری در این خصوص می‌گوید:

علی جمله‌ای در باره پیغمبر اکرم دارد که در نهج‌البلاغه است و سیره پیغمبر را در یک قسمت بیان می‌کند. می‌فرماید: «طبيب» پیغمبر پزشکی بود برای مردم. البته معلوم است که مقصود پزشک بدن نیست که مثلاً برای مردم نسخه گل‌گاوزبان می‌داد، بلکه مقصود پزشک روان و پزشک اجتماع است. «طبيب دوار بطبه». در اولین تشبیه که او را به طبيب تشبیه می‌کند، می‌خواهد بگوید روش پیغمبر روش یک طبيب معالج با بیماران خودش بود. یک طبيب معالج با بیمار چگونه رفتار می‌کند؟ از جمله خصوصیات طبيب معالج نسبت به بیمار، ترحم به حال بیمار است... گنه‌کاران لایق ترحم‌اند. یعنی چه؟ آیا چون لایق ترحم‌اند پس چیزی به آن‌ها نگوییم؟ یا نه، اگر مریض لایق ترحم است یعنی فحشش نده و بی‌تفاوت هم نباش، معالجه‌اش کن. پیغمبر اکرم روشش، روش یک طبيب معالج بود. ولی می‌فرماید: طبيب هم با طبيب فرق می‌کند. ما طبيب ثابت داریم و طبيب سیار. یک طبيب، محکمه‌ای باز کرده، تابلویش را هم نصب کرده و در مطب خودش نشسته، هرکس آمد به او مراجعه کرد که مرا معالجه کن، به او نسخه می‌دهد، کسی مراجعه نکرد به او کاری ندارد. ولی یک طبيب، طبيب سیار است، قانع نیست به این‌که مریض‌ها به او مراجعه‌کنند، او به مریض‌ها مراجعه می‌کند و سراغ آن‌ها می‌رود. پیغمبر سراغ مریض‌های اخلاقی و معنوی می‌رفت. در تمام دوران زندگی‌اش کارش این بود. مسافرتش به طائف برای چه بود؟ اساساً در مسجد الحرام که سراغ این و آن می‌رفت، قرآن می‌خواند، این را جلب می‌کرد، آن را دعوت می‌کرد برای چه بود؟ در این ایام ماه‌های حرام که مصنوعیتی پیدا می‌کرد و قبایل عرب می‌آمدند برای این‌که اعمال حج را به همان ترتیب بت‌پرستانه خودش انجام بدهند، وقتی در عرفات و منی و بالخصوص در عرفات جمع می‌شدند، پیغمبر از فرصت استفاده می‌کرد و به میان آن‌ها می‌رفت. ابو لهب هم از پشت‌سر می‌آمد و هی می‌گفت: حرف این را گوش نکنید، پسر برادر خودم است، من می‌دانم که این دروغ‌گوست – العیاذ بالله – این دیوانه است، این چنین است، این چنان است. ولی او به کار خود ادامه می‌داد. این برای چه بود؟ می‌فرماید: پیغمبر روشش روش طبيب بود ولی طبيب سیار نه طبيب ثابت که فقط بنشیند که هرکس که آمد از ما پرسید ما جواب می‌دهیم، هر کس نپرسید دیگر ما مسؤولیتی نداریم، نه، او مسؤولیت خودش را بالاتر از این حرف‌ها می‌دانست. در روایات ما هست که عیسی‌ای مسیح علیه السلام را دیدند که از خانه یک زن بدکاره بیرون آمد. مریدها تعجب کردند: یا روح الله! تو این‌جا چکار می‌کردی؟ گفت: طبيب به خانۀى مريض می‌رود. خیلی حرف است! «طبيب دوار بطبه»، قد احکم مراهمه و احمی مواسمه». نسبت متدها و سیره‌ها را علی علیه‌السلام این گونه ذکر می‌کند. آیا پیغمبر با مردم با نرمش رفتار می‌کرد یا با خشونت؟ با ملاحظت و مهربانی عمل می‌کرد یا با خشونت و اعمال زور؟ علی می‌گوید: هر دو، ولی جای هر کدام را می‌شناخت. هم مرهم داشت هم میسم. این تعبیر خود امیر المؤمنین است: در یک دستش مرهم بود و در دست دیگرش میسم. وقتی می‌خواهند زخمی را با یک دوا نرم نرم معالجه‌کنند، مرهم داشت، در دست دیگر میسم.

(سیری در سیره نبوی، استاد شهید مطهری، صفحه ۹۸)



## تبلیغ کدام دین؟

■ مجتبی میراحسان

ما متأسفانه در تبلیغ دین در بعضی مواقع شیپور را از سر گشادش می‌زنیم، ما یک‌سری چیزها را ممکن است گریز بدانیم که شاید اصلاً گریز نباشد و مبدأ خیلی از کش و واکش‌ها هم همین است خدا بیمارزد شهید مطهری را، که می‌گفت: خیلی‌ها دم از دین می‌زنند و مردم را به دین و اسلام دعوت می‌کنند و تبلیغ دین می‌کنند اما اسلامی که حجت‌الاسلام آن خودشان باشند. با این مقدمه ممکن است در آن اسلامی که من حجت‌الاسلام آن هستم، شما ننگینجید. آن وقت من تحلیل می‌کنم که شما چرا از اسلام گریختی. در حالی‌که نگریختی و من باید خودم را تحلیل کنم که چرا دایره‌ی دین‌ام را کوچک کرده‌ام.

در نهاد بچه‌ها و جوان‌های ما در این مطلقه و مرز و بوم نوعی گرایش به دین وجود دارد، یک چیزی را به عنوان دین در مجموعه و به اصطلاح کلکسیون درونی خود نیاز دارند، علاقه و تعلق دارند. اما خوب البته ممکن است مجموعه مدونی را به نام دین در ذهن خود نداشته باشند. اول و اصل دین محبت است که آن را هم چنان دارند ولی در قضایای بعدی مثل اعتقاد و تقلید و غیره بنا به دلا یلی ممکن است ضعیف باشند. ما برای این‌که تبلیغات پر نفوذی داشته باشیم و متوجه بشویم که از چه شیوه‌های جدیدی استفاده بنمائیم باید بین گریز از دین و توهم آن در جوانان فرقی قایل بشویم، دین ماهیتاً گریز‌آور نیست.

مسئله لطیفی که در این‌جا وجود دارد که دین در ذات خود درمان‌کننده درد است این‌طور نیست که دردی به دردها بیافزاید و متأسفانه عرضه‌ی دین در جامعه ما و در متولیان تعلیم و تبلیغ دینی نوعاً همراه با یک‌سری مشکل و درد جدید است. مثلاً...

نکته دیگر که در امر تبلیغ حایز اهمیت است این است که ما باید به پس‌مانده‌های کارهای مان بیشتر توجه کنیم بعضی از کارهای انجام شده پس‌مانده‌ی آن گریز از دین جوانان است. مثل همین که به اسم دین هر روز اختلاف‌های بین خودمان را بیشتر می‌کنیم، هر دو هم از اسلام دم می‌زنند. این پس‌ماندها به اصل لطمه می‌زند.

نکته دیگر در امر تبلیغ این‌که در نوع تبلیغات فضا و فرهنگ و تاریخ و اقلیم جامعه خودمان را در نظر نمی‌گیریم. و وقتی تبلیغ به شکل‌های مختلف اروپایی آن اخذ می‌شود فرد را از روح دینی و اقلیمی و فرهنگ خود جدا می‌کنیم. حتی در مدارس در مورد دروس تعلیمات دینی همین طور است. در زمانی‌که تعلیمات دینی در کنار دروس دیگر قرار می‌گیرد، جایگاه دروس دیگر مشخص است که مثلاً فیزیک برای چه چیز خوب است شیمی برای چه چیز و زیست شناسی برای چه و اگر تعلیمات دینی برای آخرت خوب است دیگر سنجیدن آن با نمره ۱۹ و ۱۸ معیار درستی نیست – اگر قرار باشد که برای دنیا خوب باشد که خیلی از چیزهای دیگر بهتر است جای آن را بگیرد – یعنی دین را در قالب دنیایی می‌خواهیم عرضه کنیم و آن را از سیستم فضایی که معنا می‌دهد خارج کرده‌ایم. وقتی دین را از آن فضا و سیستم که رگ‌های حیاتی آن به شمار می‌رود قطع کردیم آن دین مرده است و دیگر هیچ تبلیغی اثر نمی‌کند.

پس این دینی که آمده تا در فضای بزرگ‌تری کار کند اگر به فضای کوچک‌تر آورده شود چون از سیستم اصلی خود خارج می‌شود ماهیتاً گریز‌آور می‌شود.

و تبلیغ در این فضا عملاً بی‌اثر می‌شود.